

دادگاه صالح در دعاوی حقوق مالکیت فکری

| نجادعلی الماسی | استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی،
دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات)، تهران، ایران
| شوکت شایسته* | دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دپارتمان حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران

چکیده

گسترش تجارت بین الملل در حوزه حقوق مالکیت فکری، با پیدایش دعاوی بین المللی همراه است. در خارج از چهارچوب روابط قراردادی نیز حقوق مالکیت فکری همواره در معرض نقض قرار داشته‌اند. این واقعیت‌ها منجر به شکل‌گیری دعاوی می‌شود که هم موضوع و هم طرفین آن‌ها دارای ارتباط حقوقی با کشورهای مختلف هستند. برای مثال یک علامت تجاری در ایران ثبت، بر روی کالای تولیدشده در آلمان به صورت غیرقانونی تقلید و کالای یادشده در بازار فرانسه توزیع گردیده است. سؤال این است که رسیدگی به چنین دعوایی باید در کدام دادگاه انجام گیرد؟ با توجه به اینکه پیرامون این موضوع هیچ معاهده بین‌المللی وجود ندارد، استخراج قواعد باید از اسناد متعدد موجود ناظر بر سایر موضوعات انجام گیرد. قوانین ملی نیز در این خصوص غالباً ساکت یا مجمل هستند. اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت/سکونت خوانده، محل ثبت حقوق و محل وقوع فعل زیان‌بار مهم‌ترین مبانی تعیین دادگاه صالح در دعاوی مالکیت فکری هستند. واژگان کلیدی: دادگاه صالح، صلاحیت شخصی، صلاحیت موضوعی، دعاوی نقض

مقدمه

حقوق مالکیت فکری مانند حق مؤلف، حق علامت تجاری، حق اختراع، حق طرح صنعتی، حق نشانه جغرافیایی، حق اسرار تجاری، حقوق رقابت و... غالباً در محدوده‌ای فراتر از مرزهای هر کشور گسترش یافته و بعد بین‌المللی پیدا می‌کنند. از منظر روابط قراردادی، توسعه تجارت بین‌الملل انتقال مصادیق این حقوق را به موجب قراردادهای تجاری بین‌المللی در پی داشته و از منظر روابط خارج از قرارداد، توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی مانند اینترنت نقض گسترده این حقوق را به دنبال داشته است. مسئله صلاحیت دادگاه‌ها در حوزه حقوق مالکیت فکری به این دلیل مطرح می‌شود که در چنین روابط قراردادی یا خارج از قرارداد عناصر فراملی وجود دارند. اگر دعوی بین دارنده این حقوق و طرف قرارداد یا طرفی که خارج از چهارچوب قرارداد مرتکب نقض حقوق شده مطرح شود، نخستین سؤالی که باید بدان پاسخ گفت این است که دعوا باید در کدام دادگاه اقامه گردد. بنابراین حل مسئله تعارض دادگاه‌ها مقدم بر مسئله تعارض قوانین است. مهم‌ترین آثار تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها عبارتند از: ۱. دادگاه صالح قواعد شکلی نظام حقوقی خود را اعمال می‌نماید. ۲. دادگاه صالح برای تعیین قانون حاکم، قواعد حل تعارض خود را اعمال می‌کند (بهمنی، ۱۳۸۴). در منابع حقوق بین‌الملل خصوصی به موضوع صلاحیت دادگاه‌ها در حوزه مالکیت فکری به شکلی بسیار گذرا و مجمل پرداخته شده است. قوانین ملی نیز غالباً فاقد مقررات صریح در این خصوص هستند. این شرایط بررسی دقیق و موشکافانه موضوع را به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل می‌کند.

درخصوص تعارض دادگاه‌ها اسناد متعددی در اتحادیه اروپا به تصویب رسیده است. در سال ۲۰۰۱ آیین‌نامه بروکسل I در خصوص صلاحیت جایگزین کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۸ شد. این آیین‌نامه که با شماره ۴۴/۲۰۰۱ شناخته می‌شد، راجع به موضوعات مالکیت فکری تفاوت اساسی با کنوانسیون نداشت (Engelen, 2010: 2). در سال ۲۰۱۲ پارلمان اروپا آیین‌نامه شماره ۱۲۱۵/۲۰۱۲ پیرامون صلاحیت و شناسایی و اجرای آراء در موضوعات مدنی و تجاری^۱ را به تصویب رساند که هم‌اکنون در سطح اتحادیه در حال اجراست. هدف از تصویب این آیین‌نامه رفع نقائص آیین‌نامه ۴۴/۲۰۰۱ بود (Shiu & Hutt, 2015: 2). مالکیت فکری به عنوان مصداقی از موضوعات مدنی و تجاری مشمول مقررات آیین‌نامه است. اجرای آیین‌نامه‌ها بدون نیاز به تصویب، برای تمام اعضای اتحادیه الزامی است (The Brussels Regulation..., 2013: 2).

1. Regulation No 1215/2012 of the European Parliament and of the Council on Jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgements in Civil and Commercial Matters

مؤسسه ماکس پلانک پروژه‌ای را برای تهیه پیش‌نویس اصول ناظر بر صلاحیت در مالکیت فکری در سال ۲۰۰۴ آغاز کرد. این پیش‌نویس در سال ۲۰۱۱ با نام اصول تعارض قوانین در مالکیت فکری یا CLIP^۱ نهایی شد. اصول مذکور در موضوعات مدنی از جمله حقوق مالکیت فکری اعمال می‌شوند. منظور از حقوق مالکیت فکری در اصول، کپی‌رایت، حقوق مرتبط، اختراعات، علائم، طرح‌های صنعتی و حقوق انحصاری مشابه مانند اطلاعات افشانشده و رقابت غیر منصفانه است (Kur: 205). اصول حاکم بر صلاحیت، قانون حاکم و آراء در دعاوی فراملی مالکیت فکری یا ALI^۲ توسط سه استاد دانشگاه تدوین شد. هدف، ارائه این پیش‌نویس به کنفرانس لاهه بود. چون پروژه تصویب کنوانسیون آراء لاهه شکست خورد، پیش‌نویس تهیه‌شده به مؤسسه آمریکایی حقوق^۳ ارائه و با همکاری این مؤسسه تکمیل و در سال ۲۰۰۷ در جلسه مجمع عمومی مؤسسه آمریکایی حقوق تصویب شد. اصول شامل مجموعه کاملی از قواعد مربوط به موضوعات مختلف صلاحیت بین‌المللی، قانون حاکم و شناسایی آراء در دعاوی مالکیت فکری است.

در این مقاله برای نخستین بار طی سه بخش قواعد صلاحیت شخصی، صلاحیت موضوعی و صلاحیت در دعاوی نقض حقوق مالکیت فکری در اسناد بین‌المللی فوق، قوانین ملی و حقوق ایران مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. صلاحیت شخصی

منظور از صلاحیت شخصی صلاحیت مبتنی بر وضعیت طرفین دعواست. صلاحیت شخصی بدین معناست که آیا خواننده ارتباط کافی با قلمرو مقر دادگاه را دارد یا خیر (Bennett & Granata, 2019: 18).

۱-۱. اسناد بین‌المللی

اصول حاکم بر صلاحیت، قانون حاکم و آراء در دعاوی فراملی مالکیت فکری (ALI) قاعده عام صلاحیت بر مبنای محل سکونت^۴ خواننده را مقرر کرده است. یک شخص حقیقی می‌تواند در هر کشوری که در آن سکونت دارد، تحت تعقیب قرار گیرد. محل سکونت شخص حقیقی در کشوری است که او عادتاً در آنجا یافت می‌شود یا ارتباطات حرفه‌ای یا شخصی مهم خود را حفظ می‌کند. طبق تعریف فوق اولاً محل سکونت می‌تواند هر یک از محل استقرار شخص یا محل اشتغال وی باشد و ثانیاً در فرض تفاوت محل استقرار با محل اشتغال، هیچ یک از دو معیار بر دیگری مرجح

1. Principles for Conflict of Laws in Intellectual Property (CLIP)

2. Intellectual Property: Principles Governing Jurisdiction, Choice of Law and Judgments in Transnational Disputes

3. American Law Institute (ALI)

4. residence

نیست و امکان انتخاب برای خواهان وجود خواهد داشت. محل سکونت شخص حقوقی نیز در جایی است که الف) مقر قانونی اش در آنجاست، ب) در آنجا تشکیل شده است، ج) اداره مرکزی آن در آنجا واقع است یا د) مکان اصلی تجارتش در آنجاست. به نظر می‌رسد پیش‌بینی چهار فرض فوق برای شمول نسبت به تعاریف مختلف مطرح در قوانین ملی در خصوص محل سکونت اشخاص حقوقی باشد. محل تشکیل شخص حقوقی بر اساس قانون داخلی مقر رسیدگی‌کننده تعیین می‌گردد. مکان اداره مرکزی نیز به سهولت قابل تعیین و ناظر بر محل استقرار و تشکیل جلسات نهادهای تصمیم‌گیرنده است. مکان اصلی تجارت از لحاظ مفهوم مشخص اما در مرحله تعیین مصداق با دشواری روبه‌روست. در مورد شرکت‌هایی که فعالیت آن‌ها به قلمرو یک کشور محدود است، مکان اصلی تجارت همان کشور خواهد بود اما در مورد شرکت‌های چند ملیتی که در کشورهای مختلف دارای شعبه هستند و حجم فعالیت‌های آن‌ها گاه در کشورهای دیگر بیش از کشور محل تشکیل است، مکان اصلی تجارت کدام کشور است؟ به نظر می‌رسد مفهوم مقر قانونی در این فرض قابل اعمال و دادگاه مکان استقرار هر یک از شعب به عنوان مقر قانونی آن شعبه از صلاحیت برخوردار خواهد بود. البته این در صورتی است که فعل ارتكابی قابل انتساب به آن شعبه باشد.

طبق آیین‌نامه شماره ۱۲۱۵/۲۰۱۲ پیرامون صلاحیت و شناسایی و اجرای آراء در موضوعات مدنی و تجاری دعوا علیه شخصی که در یکی از کشورهای عضو مقیم است، صرف‌نظر از اینکه تابعیت چه کشوری را دارد، در دادگاه همان کشور اقامه خواهد شد. چنانچه خوانده در یک کشور عضو مقیم نباشد، صلاحیت دادگاه‌های هر دولت عضو بر اساس قانون همان کشور تعیین خواهد شد. بنابراین برای مثال اگر حق تکثیر یک اثر موسیقی ایرانی توسط یک انگلیسی مقیم انگلیس، یک ایتالیایی مقیم آلمان یا یک آمریکایی مقیم فرانسه نقض شود، دادگاه محل اقامت ناقض اثر برای رسیدگی صالح خواهد بود. اما اگر همان اثر توسط یک سوئدی مقیم کانادا در سوئد بدون اجازه خالق آن تکثیر گردد، قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی مقر برای تعیین دادگاه صالح اعمال خواهد شد. «اقامتگاه بر اساس قانون داخلی دولت عضوی تعیین می‌شود که موضوع در آن مطرح شده است. اگر طرف دعوا مقیم کشور عضو اتحادیه که دادگاه آن در حال رسیدگی به موضوع است نباشد، برای تعیین اینکه طرف مقیم دولت عضو دیگر هست یا نه، دادگاه قانون آن دولت عضو را اعمال خواهد کرد. در موردی که دادخواهی مربوط به اشخاص حقوقی یا شرکت‌هاست، اقامتگاه طبق قانون کشوری که مقر قانونی، اداره مرکزی یا مکان اصلی تجارت شخص حقوقی یا شرکت است تعیین می‌شود.» (The Brussels Regulation..., op.cit: 3). کنوانسیون بروکسل نیز اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده را به رسمیت می‌شناخت.

به موجب اصول تعارض قوانین در مالکیت فکری (CLIP) دادگاه کشور محل سکونت عادی خواننده، از «صلاحیت عام»^۱ برخوردار است. محل سکونت عادی یک شخص حقیقی فعال در جریان تجارت، برای دعاوی مربوط به آن فعالیت، مکان اصلی تجارت او (مکانی که فعالیت‌های اصلی از آنجا اداره می‌شود) است. محل سکونت عادی شرکت‌ها و اشخاص حقوقی دیگر در کشوری است که اداره مرکزی، مکان اصلی تجارت، مقر قانونی یا اداره ثبت شده آن‌ها در آنجا است. تعریف ارائه شده از محل سکونت در اصول تعارض قوانین در مالکیت فکری با تعریف اصول حاکم بر صلاحیت، قانون حاکم و آراء در دعاوی فراملی مالکیت فکری از چند جهت متفاوت است. اولاً محل سکونت با قید «عادی» همراه شده اما مفهوم این قید مشخص نشده است. ثانیاً معیار تعیین محل سکونت عادی اشخاص حقیقی صرفاً مبتنی بر مکان اصلی تجارت است و امکان انتخاب بین محل حضور فیزیکی یا محل اشتغال وجود ندارد. ثالثاً محل سکونت عادی بر اساس مکان اصلی تجارت اشخاص فعال در جریان تجارت و آن هم فقط برای دعاوی مربوط به همان فعالیت تعریف شده و مشخص نیست چنانچه شخص حقیقی در حوزه‌های تجاری فعالیتی نداشته باشد یا دعوا فاقد ارتباط با فعالیت وی باشد، محل سکونت عادی او بر چه اساسی تعیین خواهد شد. با توجه به نکات فوق به نظر می‌رسد تعریف ارائه شده از محل سکونت عادی شخص حقیقی در اصول جامع نیست.

۲-۱. قوانین ملی

دعاوی بین‌المللی مربوط به حقوق مالکیت فکری توسط دادگاه فدرال کانادا یا دادگاه‌های استانی قضاوت می‌شوند. دادگاه فدرال برای استماع دعاوی مربوط به تشریفات ثبتی صالح است. دادگاه فدرال صلاحیت هم‌زمان با دادگاه استانی را در پرونده‌های مطالبه خسارت مربوط به اختراع، کپی‌رایت، علامت تجاری و طرح صنعتی دارد. اکثر دعاوی بین‌المللی مالکیت فکری و قراردادهای شبه جرم توسط دادگاه‌های استانی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. برای تعیین اینکه آیا دادگاه کانادا صلاحیت بین‌المللی دارد یا نه دو مجموعه از عوامل مدنظر قرار می‌گیرند: قواعد تعیین‌کننده صلاحیت (صلاحیت ساده)^۲ و قواعد ردکننده صلاحیت (عدم سهولت مقر)^۳. منابع قانونی حاکم بر صلاحیت ساده بر اساس استان‌های مختلف متفاوتند (قانون مدنی در ایالت کبک، قانون صلاحیت دادگاه و انتقال دادرسی^۴ در

۱. در اصول CLIP سه نوع صلاحیت پیش‌بینی شده است: صلاحیت عام که شامل صلاحیت دادگاه محل سکونت عادی خواننده است، صلاحیت خاص شامل صلاحیت دادگاه‌هایی غیر از دادگاه محل سکونت عادی خواننده، صلاحیت انحصاری شامل صلاحیت دادگاه محل ثبت حقوق.

2. jurisdiction simpliciter

3. forum non conveniens

4. Court Jurisdiction and Proceedings Transfer Act

ایالت‌های بریتیش کلمبیا و نواسکوشا و سسکتچون). در صورتی که طرف دعوا در یکی از استان‌های کانادا ساکن باشد یا به صلاحیت تسلیم شود، صلاحیت شخصی محقق است. در سال ۱۹۹۰ دیوان عالی رأی داد که دادگاه استان نمی‌تواند در مورد خوانده غیرمقیم اعمال صلاحیت کند، مگر ارتباط اساسی بین خواننده یا موضوع دعوا و آن استان وجود داشته باشد. دکترین عدم سهولت مقر نیز با پیروی از رویه قضایی دادگاه‌های انگلیس ایجاد شد و به دادگاه‌ها اجازه داد که اگر خوانده بتواند اثبات کند انتخاب مقر توسط خواهان آزاردهنده بوده یا به‌نحو دیگری منجر به سوءاستفاده از حق شده، رسیدگی را متوقف کنند (Kono, 2012: 21). بنابراین در کانادا معیار تعیین صلاحیت شخصی سکونت یا ارتباط اساسی خواننده با مقر است. پذیرش صلاحیت در چهارچوب قواعد ناظر بر توافق انتخاب دادگاه صالح و ارتباط موضوع دعوا با مقر نیز در چهارچوب قواعد صلاحیت موضوعی تفسیر می‌شود. محل سکونت به معنای ارتباط مستقر و ماندگار شخص و مکان و به معنای ساده همان محل زندگی و کار است. محل سکونت برخلاف اقامتگاه یک مفهوم انحصاری نیست و شخص می‌تواند در بیش از یک حوزه قضایی ساکن باشد یا ساکن مکانی معین باشد، حتی اگر در مقطعی از زمان در آنجا حضور فیزیکی نداشته باشد. اثبات سوءاستفاده خواهان از انتخاب مقر بر مبنای صلاحیت شخصی که می‌بایست توسط خواننده انجام شود، دادگاه را مخیر خواهد ساخت که رسیدگی را متوقف نموده یا ادامه دهد. بنابراین حتی در فرض اثبات سوءاستفاده، دادگاه کانادا تکلیفی به رد صلاحیت نخواهد داشت. قانون در مورد شرایط یا مصادیق تحقق سوءاستفاده ساکت است. این امر تبعات منفی احتمالی مانند اعمال سلیقه دادرس را در پی دارد.

طبق قانون اساسی آمریکا دادگاه‌های فدرال در مورد موضوعاتی که طبق قانون حق اختراع یا قانون کپی‌رایت طرح می‌شود، صلاحیت انحصاری دارند (Beam, 2012: 405). دادگاه‌های فدرال و دولتی در دعاوی‌ای که بر اساس قانون علامت تجاری طرح می‌شوند صلاحیت متقارن دارند. دادگاه‌های دولتی برای استماع دعاوی مربوط به اسرار تجاری نیز صالح‌اند. در تمام پرونده‌هایی که دادگاه‌های ایالتی صلاحیت دارند، اگر طرفین از ایالت‌های مختلف یا یکی از آن‌ها تبعه خارج باشد، دعوا می‌تواند در دادگاه‌های فدرال اقامه شود (Kono, 2012: 1122). استماع دعاوی مربوط به حقوق مالکیت فکری خارجی توسط دادگاه‌های آمریکا منوط به داشتن صلاحیت شخصی و صلاحیت موضوعی است. صلاحیت شخصی مستلزم این است که دادگاه تعیین کند که آیا خواننده ارتباط کافی با کشور مقر دارد (Kono, 2012: 23).

در یکی از آراء شاخص در پرونده شرکت بین‌المللی کفش علیه واشنگتن^۱ دادگاه عالی ایالات متحده تصمیم گرفت که صلاحیت شخصی در صورتی می‌تواند اعلام شود که خواننده حداقل ارتباط کافی را با مقرر داشته باشد (Lyon, 1995: 663). شرط ارتباط حداقلی در صورتی وجود دارد که خواننده فعالیت‌های خود را در کشور مقرر انجام داده باشد. معیارهای ارتباط کافی در قانون بیان نشده و به موازات رویه قضایی فوق که صرفاً ناظر بر فعالیت‌های زیان‌بار خواننده است، منطقاً محل زندگی و اشتغال به طور کلی نیز می‌تواند از مهم‌ترین مصادیق ارتباط کافی تلقی شود. علاوه بر این دکتین عدم سهولت مقرر نیز غالباً توسط دادگاه‌های آمریکا مورد استناد قرار گرفته است. این تئوری در حقوق آمریکا دادگاه را ملزم می‌کند دو عنصر را مدنظر قرار دهد: اول وجود یک مقرر جایگزین که صلاحیت استماع دعوا را دارد و دوم اینکه کدام مقرر از سهولت بیشتری برخوردار است و قضاوت دعوا در کجا بهتر عدالت کامل را تضمین خواهد کرد. در فرض وجود مقرر جایگزین مناسب‌تر، صلاحیت شخصی رد خواهد شد.

اقامتگاه خواننده به عنوان دلیل عام صلاحیت بین‌المللی در قوانین داخلی اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز پذیرفته شده است. برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپا مثل هلند و اسپانیا مقررات صلاحیت ملی خودشان را با رژیم بروکسل هماهنگ کرده‌اند. با وجود این، تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا از اصول مشابه اصول وضع شده در کنوانسیون بروکسل پیروی نمی‌کنند. دادگاه‌های انگلستان صلاحیت را در صورتی اعلام می‌کنند که ادعا بتواند به‌نحو معتبری به خواننده ابلاغ شود. با توجه به دکتین عدم سهولت مقرر و مشروط بر اینکه بتوان ابلاغ به خواننده را انجام داد، دادگاه‌ها برای تعیین خسارت وارده در کشورهای خارجی صلاحیت نامحدود خواهند داشت. در فرانسه مواد ۱۴ و ۱۵ قانون مدنی تابعیت خواهان یا خواننده را به عنوان دلیل اعلام صلاحیت بین‌المللی مقرر کرده است. هر دومعیار تابعیت و ابلاغ به شدت قابل نقد است. تئوری صلاحیت محل سکونت/ اقامت خواننده بر اصل برائت و صحت از یک‌سو و ارتباط مؤثر با مقرر از سوی دیگر مبتنی است. معیار تابعیت قضا را با شائبه سیاسی همراه می‌سازد و ظن خروج از بی‌طرفی در رسیدگی به دعوی بین تبعه کشور مقرر و کشور دیگر را تقویت می‌کند. از سوی دیگر نتیجه وضع معیار تابعیت خواهان یا خواننده صلاحیت همیشگی دادگاه‌های کشور متبوع است. معیار ابلاغ نیز با ضرورت ارتباط کافی خواننده با مقرر در تعارض آشکار است. اگر خواننده تبعه روسیه و مقیم ترکیه در حال سفر از امارات به آمریکا باشد و هواپیما دقایقی در انگلستان توقف کند، ابلاغ برگ احضاریه به وی توسط خواهان مقیم انگلیس برای نقضی که در ترکیه اتفاق افتاده، با چه منطقی می‌تواند برای دادگاه‌های انگلستان ایجاد صلاحیت کند؟

1. International Shoe Co v Washington

ماده ۹۷۱ قانون مدنی قاعده حاکم بر تعارض دادگاه‌ها در حقوق ایران است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «دعای از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود. مطرح بودن همان دعوا در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.» اگر دعوی واجد عنصر خارجی در ایران اقامه شود، این ماده قانون مقرر دادگاه یعنی قانون ایران را حاکم بر تعیین صلاحیت دادگاه می‌داند. بخش اخیر ماده قابل نقد است. پذیرش صلاحیت هم‌زمان برای دادگاه‌های ایران، احتمال صدور آراء متعارض و ایجاد مشکل در اجرای آراء را در پی خواهد داشت. اختیار رسیدگی متقارن باید محدود به مواردی شود که دادگاه‌های ایران طبق قانون از صلاحیت انحصاری برخوردارند، یعنی دعوی ناظر بر اعتبار یا ثبت یا نقض حقوق مالکیت صنعتی ایرانی و توافق طرفین مبنی بر اعطای صلاحیت به دادگاه ایران. برای تعیین دادگاه صالح باید مشخص شود کدام یک از دادگاه‌های ایران دارای صلاحیت ذاتی و محلی برای رسیدگی به دعوی مالکیت فکری هستند.

۱-۲-۱. صلاحیت ذاتی

برای تشخیص صلاحیت ذاتی دادگاه، تعیین صنف، نوع و درجه آن ضروری است. صنف: مراجع رسیدگی کننده به دعوی در ایران به دو صنف مراجع قضایی (حقوقی و کیفری) و مراجع اداری تقسیم می‌شوند (شمس، ۱۳۸۷: ۳۶۲). مراجع قضایی حقوقی به دعوی فاقد وصف کیفری و مراجع قضایی کیفری به جرایم پیش‌بینی شده در قوانین رسیدگی می‌کنند. مراجع اداری نیز وظیفه رسیدگی به دعوی علیه نهادهای دولتی را بر عهده دارند.

نوع: مراجع رسیدگی کننده به دعوی را بر اساس نوع آن‌ها به دو نوع عمومی و استثنایی تقسیم می‌کنند. مرجع عمومی صلاحیت رسیدگی به تمام امور جز آنچه در صلاحیت مراجع استثنایی است را دارد، اما مرجع استثنایی صلاحیت رسیدگی به هیچ امری را ندارد مگر آنچه صراحتاً در صلاحیت این مرجع قرار گرفته است (شمس، ۱۳۸۷: ۳۶۳).

بر اساس ماده ۴ آیین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب: «به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب رئیس قوه قضائیه، شعب دادگاه‌های عمومی حقوقی و عمومی جزایی و دادسرا در هر حوزه قضایی به تناسب امکانات و ضرورت جهت انجام تحقیقات و رسیدگی به جرایم و دعوی خاص تخصیص می‌یابند، از قبیل ... ب- دادگاه‌های عمومی حقوقی شامل ... دعوی ثبتی، مالکیت‌های معنوی و صنعتی» در ایران هنوز مرجع استثنایی برای رسیدگی به دعوی مالکیت فکری ایجاد نشده است.

درجه: مراجع رسیدگی کننده به دو درجه بدوی و تجدیدنظر تقسیم می شوند. دعاوی مالکیت فکری مانند سایر دعاوی باید ابتدا در مراجع بدوی مطرح شوند.

۲-۲-۱. صلاحیت نسبی

تعیین صلاحیت نسبی به معنای تعیین دادگاهی است که از بین تمام مراجع دارای صنف و نوع و درجه یکسان، صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد. مهم ترین قاعده ناظر بر تعیین صلاحیت نسبی، اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده است. بر اساس ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی: «دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هر گاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیر منقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است و هر گاه مال غیر منقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود اقامه دعوا خواهد کرد.»

ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی اقامتگاه را این گونه تعریف می کند: «اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور او اقامتگاه محسوب است.» تفاوت اقامتگاه با محل سکونت موقت مذکور در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی در دوام اقامتگاه و عدم دوام محل سکونت موقت است. اقامتگاه اشخاص حقوقی طبق ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی مرکز عملیات و به موجب ماده ۵۹۰ قانون تجارت محل اداره شخص حقوقی است. در خصوص چگونگی حل تعارض این دو ماده دیدگاه های مختلفی بیان شده، اما نظر اکثریت، حاکمیت قانون تجارت در خصوص اقامتگاه شرکت های تجاری است (اسکینی، ۱۳۹۳: ۶۶).

بنابراین در حقوق ایران نیز در دعاوی مالکیت فکری اصل بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده است و در فرض مقیم نبودن در ایران، سایر قواعد مقرر در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی به ترتیب اجرا خواهد شد. برای مثال اگر یک فیلم در ایران ساخته و پخش شود و یک شخص حقیقی مقیم آمریکا بدون اجازه اثر مذکور را در آمریکا تکثیر و در معرض فروش قرار دهد، پدیدآورنده اثر باید در آمریکا علیه خوانده طرح دعوا کند. اما چنانچه یک دانشجوی ایرانی مقیم فرانسه، در نگارش مقاله خود بخش های اساسی از مقاله یک نویسنده ایرانی را بدون اجازه وی و بدون ذکر منبع مورد استفاده قرار دهد، زیان دیده می تواند علیه وی در دادگاه محل سکونت موقت او در ایران طرح دعوا کند.

در نمونه رأی صادره از شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر به شماره ۹۶۰۲۲۱۲۰۹۷۰۹۱۰ آمده که دادگاه های تهران برای رسیدگی به دعاوی اعتراض به استفاده از نام تجاری توسط خوانده ایرانی و

ابطال ثبت نام تجاری صالح‌اند، هرچند که در قرارداد فی مابین طرفین صلاحیت انحصاری دادگاه و قانون کشور دیگری قید شده باشد. استدلال شعبه ۱۲ این است که مطابق ماده ۹۷۱ قانون مدنی دعاوی از حیث صلاحیت محاکم تابع قانون ملی است و طبق مواد ۱۱ و ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی در دعاوی بازرگانی خواهان می‌تواند به دادگاه محل اقامت خوانده، محل انعقاد یا اجرای قرارداد رجوع کند و با توجه به اینکه محل اقامت خوانده و محل اجرای تعهد تهران می‌باشد، دادگاه‌های تهران برای رسیدگی صالح خواهند بود.

سؤال مهمی که باید پاسخ داده شود این است که در دعاوی واجد عنصر خارجی، توصیف اقامتگاه طبق قانون کدام کشور باید انجام شود؟ در حقوق بین‌الملل خصوصی توصیف به موجب قانون مقر دادگاه انجام می‌شود (الماسی، ۱۳۹۰: ۱۱۰). بنابراین برای تعیین اقامتگاه خوانده نیز که نوعی توصیف است، باید به قانون مقر دادگاه مراجعه کنیم و اجرای قانون دیگری جز قانون مقر دادگاه صحیح نیست (ارفع نیا، ۱۳۹۱: ۲۸).

۲. صلاحیت موضوعی (انحصاری)

صلاحیت موضوعی به قدرت انحصاری دادگاه برای اتخاذ تصمیم بر مبنای ماهیت دعوا اشاره دارد. بهترین مثال از موضوعاتی که معمولاً در صلاحیت انحصاری قرار می‌گیرند، دادگاه محل وقوع مال در مورد اموال غیر منقول و دادگاه محل ثبت در مورد موضوعات مشمول ثبت است.

۲-۱. اسناد بین‌المللی

بر اساس اصول حاکم بر صلاحیت، قانون حاکم و آراء در دعاوی فراملی مالکیت فکری (ALI) دادگاه‌ها برای قضاوت در مورد ادعاهای مطرح شده بر اساس حقوق خارجی صالح‌اند، اما دادگاه باید طبق قانون داخلی خود نیز صلاحیت موضوعی و شخصی داشته باشد. دادگاه برای استماع دفاعیات مربوط به عدم اعتبار حقوق ثبت‌شده خارجی صلاحیت دارد اما رأی صادره مبنی بر عدم اعتبار حقوق مالکیت فکری ثبت‌شده بر اساس قوانین کشور دیگر فقط بین طرفین همان دعوا اثر دارد. با وجود این تنها دادگاه کشور محل ثبت برای اتخاذ تصمیم در مورد لغو ثبت واجد صلاحیت است. گاه اتفاق می‌افتد که مسئله اعتبار حقوق مالکیت فکری ثبت‌شده نه به عنوان موضوع اصلی دعوا بلکه به عنوان دفاع یا دعوی تقابل در ضمن رسیدگی به دعوی نقض حقوق مالکیت فکری مطرح می‌شود. در این خصوص کشورها دو رویکرد متفاوت را اتخاذ نموده‌اند: برخی به دلیل اینکه رسیدگی جداگانه در دو کشور مختلف دادگاه را از استماع تمام دفاعیات و ادله خوانده دور و خواهان را ملزم به پرداخت هزینه‌های جداگانه و تحمل دشواری‌های طرح دعوا در کشور دیگر می‌کند، دادگاه

صالح برای رسیدگی به دعاوی نقض را برای استماع دفاعیات یا دعاوی تقابل با محوریت عدم اعتبار حق ثبت شده واجد صلاحیت می‌دانند.

برخی دیگر با توجه به اینکه ثبت یک امر حاکمیتی است، اظهارنظر در خصوص آن را توسط دادگاه‌های هر کشوری غیر از محل ثبت به منزله مداخله در امور داخلی دولت ثبت‌کننده و اساساً مراجع قضایی هر کشور را فاقد آگاهی لازم از پیچیدگی‌های فرآیند ثبت در سایر کشورها می‌دانند، خواه اعتبار حق موضوع اصلی دعوا باشد، خواه در قالب دفاع یا دعاوی تقابل. اصول رسیدگی به موضوع اعتبار در چنین حالتی را منع نمی‌کند، اما اثر رأی صادره را به طرفین دعوا محدود می‌سازد. این رویکرد قابل نقد است. فرض کنیم الف در کشور ایتالیا علیه ب دعاوی نقض حق اختراع ثبت شده در اسپانیا را اقامه و ب اعتبار اختراع را مورد چالش قرار می‌دهد. اگر دادگاه ایتالیا وارد رسیدگی به موضوع اعتبار شود و ثبت حق اختراع را غیرمعتبر اعلام کند، بر اساس اصول اثر دادنامه محدود به طرفین دعوا خواهد بود. حال تصور کنیم الف در همان ایتالیا دعاوی دیگری علیه ج با موضوع نقض همان حق اختراع طرح و خوانده عدم اعتبار را به عنوان دفاع بیان کند. رسیدگی مجدد دادگاه ایتالیا به موضوع اعتبار غیرمنطقی اما لازمه انحصار اثر دادنامه نخست به طرفین آن دعواست. همچنین اگر الف در کشور سوئیس علیه د دعاوی نقض اقامه و دادگاه آن کشور به دفاع عدم اعتبار رسیدگی و اعتبار حق اختراع را به رسمیت بشناسد، آراء صادره از دادگاه‌های ایتالیا و سوئیس مغایر خواهد بود.

قواعد آیین‌نامه شماره ۱۲۱۵/۲۰۱۲ پیرامون صلاحیت و شناسایی و اجرای آراء در موضوعات مدنی و تجاری، در خصوص صلاحیت در موردی اعمال می‌شود که دعوا واجد یک عنصر خارجی مرتبط به اتحادیه اروپاست، حتی اگر طرفین دارای تابعیت یا اقامتگاه واحد باشند. در خصوص قلمرو اعمال آیین‌نامه توجه به فروض زیر ضروری است:

- در دعاوی بین خواهان و خوانده مقیم اتحادیه و خواهان غیرمقیم علیه خوانده مقیم مقررات آیین‌نامه اعمال می‌شود نه مقررات داخلی کشورهای عضو.
- در دعاوی خواهان مقیم علیه خوانده غیرمقیم و در دعاوی بین خواهان و خوانده غیرمقیم قواعد داخلی صلاحیت کشور محل اقامه دعوا اعمال خواهد شد، مگر در فرض صلاحیت انحصاری (Kunda & Goncalves, 2010: 59).

در دعاوی مربوط به ثبت یا اعتبار حق اختراع، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی یا سایر حقوق مشابه که مستلزم تودیع یا ثبت هستند، صرف‌نظر از اینکه آیا موضوع از طریق اقامه دعوا یا به عنوان دفاع طرح شده، دادگاه کشوری که تودیع یا ثبت در آن تقاضا یا انجام شده یا باید انجام شود صالح خواهد بود. این صلاحیت انحصاری و بر اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده مقدم است.

دیوان عدالت اروپایی در پرونده گات علیه لوک^۱ صلاحیت انحصاری را به نحوی گسترش داد که شامل تمام رسیدگی‌های مربوط به اعتبار باشد، صرف‌نظر از اینکه موضوع اعتبار به عنوان دعوا یا دفاع یا دعوای تقابل مطرح شده باشد (Treppoz, 2014: 560). کنوانسیون بروکسل نیز در دعوای مربوط به ثبت یا اعتبار حقوق مستلزم تودیع یا ثبت، نه دعوای نقض (Lipstein, 2002: 593) دادگاه‌های کشوری که تودیع یا ثبت در آنجا تقاضا یا انجام شده بود را صالح می‌دانست. رویکرد آیین‌نامه در خصوص صلاحیت در دعوای ثبت یا اعتبار حقوق ثبت شده قابل‌تحسین است. حذف صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده و پذیرش صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشور محل ثبت خواه در دعوای که موضوع اصلی آن‌ها ثبت یا اعتبار است و خواه در دعوای نقض یا سایر دعوای که ثبت یا اعتبار در آن‌ها به عنوان دفاع توسط خوانده به چالش کشیده می‌شود، با جنبه حاکمیتی ثبت منطبق و در پیشگیری از صدور آراء متعارض کاملاً مؤثر است. بر این اساس چنانچه اعتبار حق در یک دادگاه مورد بررسی قرار گیرد، رأی صادره با لحاظ اعتبار امر مختوم برای کل دادگاه‌های مستقر در سطح اتحادیه لازم‌الاتباع خواهد بود.

طبق اصول تعارض قوانین در مالکیت فکری (CLIP) در دعوای‌ای که موضوع آن‌ها صدور رأی در مورد اعطا، ثبت، اعتبار، فسخ یا اعراض از حق اختراع، علامت، طرح یا هر حق مالکیت فکری مورد حمایت دیگر بر مبنای ثبت است، دادگاه‌های دولتی که حق در آنجا بر اساس مفاد یک کنوانسیون بین‌المللی ثبت شده یا به نظر می‌رسد ثبت خواهد شد، صلاحیت انحصاری دارند. اعلام عدم صلاحیت توسط دادگاه‌ها در فرضی که موضوع در صلاحیت انحصاری دادگاه کشور دیگر است، رأساً انجام خواهد شد. اصول با مدنظر قرار دادن اصل سرزمینی بودن حقوق مالکیت فکری^۲ مقرر می‌کند که قاعده صلاحیت انحصاری دادگاه محل ثبت در موردی که موضوع اعتبار یا ثبت حقوق به شکلی غیر از دعوای اصلی یا دعوای تقابل مطرح شده، اعمال نمی‌شود. یعنی چنانچه در دعوای نقض مسئله عدم اعتبار به عنوان دفاع مطرح شود، دادگاه غیر از محل ثبت برای رسیدگی صالح اما در عین حال رأی صادره در چنان دعوای، در مقابل اشخاص ثالث فاقد اثر خواهد بود.

همان ایرادی که بر مقررۀ مشابه در اصول حاکم بر صلاحیت، قانون حاکم و آراء در دعوای فراملی مالکیت فکری (ALI) در خصوص صلاحیت کشور غیر محل ثبت برای رسیدگی به دفاع اعتبار بیان شد، در اینجا نیز قابل طرح است. تفکیک بین صلاحیت در فرضی که اعتبار موضوع

1. Gat v Luk

۲. بر اساس اصل سرزمینی بودن حقوق مالکیت فکری، مقررات ناظر بر این حقوق تنها در قلمرو کشور وضع قانون قابل اعمال است.

اصلی دعاوی اصلی یا دعاوی تقابل است با فرض دفاع، فاقد توجیه منطقی است. اگر دادگاه محل ثبت را به علت ملاحظات حاکمیتی برای رسیدگی به موضوع اعتبار صالح بدانیم، این صلاحیت تفکیک‌ناپذیر و شامل تمام فروض خواهد بود و چنانچه به هر دلیل دادگاه کشور غیر محل ثبت را واجد صلاحیت تلقی نماییم، محدود ساختن اجازه اعمال صلاحیت صرفاً به فرض طرح موضوع اعتبار به عنوان دفاع فاقد توجیه منطقی خواهد بود.

۲-۲. قوانین ملی

در کشورهای دارای نظام کامن‌لا معمولاً دادگاه در صورتی می‌تواند صلاحیت بین‌المللی را اعمال کند که هم صلاحیت سرزمینی مربوط به خواننده و هم صلاحیت موضوعی وجود داشته باشد. در کانادا علاوه بر قواعدی که صلاحیت را بین دادگاه‌های فدرال و دادگاه‌های استانی تقسیم می‌کنند، یکی از موضوعات اصلی در دادخواهی فراسرزمینی مالکیت فکری وجود صلاحیت موضوعی است. در این خصوص صراحت قانونی یا رویه قضایی مشخصی وجود ندارد. از آنجایی که حقوق بین‌الملل خصوصی کانادا تا حد زیادی بر مبنای حقوق انگلیس توسعه پیدا کرده است، بسیار محتمل است که دادگاه‌های کانادا رویه قضایی انگلستان را مدنظر قرار دهند. در این خصوص تصمیم سال ۲۰۰۹ دادگاه تجدیدنظر انگلیس در پرونده شرکت مسئولیت محدود لوکاس فیلم علیه اینسورث^۱ در خصوص مسئله صلاحیت موضوعی قابل ذکر است. دادگاه تجدیدنظر حکم داد که دادگاه‌های انگلیس از استماع ادعاهای نقض حقوق مالکیت فکری خارجی ممنوع هستند. در پرونده فوق ادعاها به نقض کپی‌رایت آمریکایی مربوط بودند و بر اساس رأی صادره حتی اگر ناقض ادعایی مقیم انگلیس بوده و نقض نیز در آن کشور واقع شده باشد طبق قواعد صلاحیت موضوعی، رسیدگی به ادعاهای نقض حقوق مالکیت فکری خارجی غیرممکن است (Ubertazzi, 2011: 365). این رویکرد قابل نقد است. در فرضی که موضوع دعوا حقی است که حمایت از آن منوط به ثبت نیست یا در فرضی که گرچه حمایت مشروط به ثبت است، اما موضوع دعاوی اصلی یا تقابل یا دفاع اعتبار حق نیست و در عین حال محل وقوع عمل زیان‌بار یا اقامتگاه خواننده یا هر دو نیز در کشور مقرر است، عدم رسیدگی به دعوا فاقد توجیه منطقی است. به همین دلیل رویه نوین دادگاه‌های کانادا اعلام صلاحیت بین‌المللی در صورتی است که آشکار شود دعوا دارای ارتباطی واقعی و اساسی با کانادا است.

استماع دعاوی مربوط به حقوق مالکیت فکری خارجی توسط دادگاه‌های آمریکا منوط به داشتن صلاحیت شخصی و صلاحیت موضوعی است. بار اثبات وجود دلایل صلاحیت شخصی و موضوعی بر عهده خواهان است. شرط وجود صلاحیت موضوعی بدین معناست که دادگاه‌های آمریکا برای

1. Lucasfilm Ltd v Ainsworth

استماع دعاوی مربوط به اعتبار و نقض حقوق مالکیت فکری خارجی صالح نیستند. دادگاه‌های ایالات متحده صلاحیت را در مورد نقض حقوق مالکیت فکری خارجی فقط در صورتی اعمال خواهند کرد که عمل نقض در ایالات متحده رخ داده باشد. به نظر می‌رسد در فرضی که نقض در خارج از آمریکا رخ داده اما خواننده مقیم ایالات متحده است، استماع دعوا با اعمال قاعده عام صلاحیت محل اقامت خواننده منطبق و موجه است. در این فرض یا در حالت وقوع نقض در آمریکا می‌توان برای حفظ ارتباط موضوع با مقر، خسارات مورد حکم را به ضررهای وارده در قلمرو ایالات متحده محدود ساخت. در پرونده شرکت مسئولیت محدود سو با فیلم علیه شرکت ارتباطات ام جی ام پث^۱ تصمیم گرفته شد که دادگاه‌های ایالات متحده فقط برای نقض هایی که در ایالات متحده رخ می‌دهد می‌توانند حکم به جبران خسارت پولی خواهان دهند و تعیین اینکه انجام عمل معین در سایر کشورها نقض تلقی می‌شود یا خیر، باید توسط دادگاه‌های خارجی انجام شود. دادگاه‌های ایالات متحده زمانی که نقض هم در ایالات متحده و هم در کشورهای دیگر رخ می‌دهد، می‌توانند در خصوص جبران خسارت در پرونده‌های نقض کپی‌رایت در چند کشور رأی صادر کنند (Kono, 2012: 36).

قوانین ملی یا رویه قضایی کشورهای مختلف در خصوص صلاحیت موضوعی یکسان نیست. برای مثال بر اساس قانون حقوق بین‌الملل خصوصی سوئیس، مبانی صلاحیت دادگاه‌ها وقوع محل اقامت خواننده یا محل مطالبه حمایت در این کشور است. دادگاه‌های سوئیس در مورد اعتبار یا ثبت حقوق مالکیت فکری در خارج فاقد صلاحیت هستند. دادگاه‌های آلمان به موضوع اعتبار حق خارجی در صورتی رسیدگی می‌کنند که عدم اعتبار به عنوان دفاع در دعاوی نقض مطرح شده باشد و اثر چنین تصمیمی نیز منحصر به طرفین خواهد بود. رویه دادگاه‌های کرواسی این است که صلاحیت بین‌المللی را در مورد دعوا اعلام می‌کنند، صرف‌نظر از اینکه آیا حق مالکیت فکری ثبت‌شده خارجی معتبر است یا نه. در مورد حقوق مالکیت فکری ثبت نشده، دادگاه‌های کرواسی صلاحیت را صرف‌نظر از اینکه آیا اعتبار حق مالکیت فکری ثبت نشده مورد اعتراض قرار گرفته یا نه، نیز اعلام خواهند کرد. در مقایسه سوئیس از سختگیرانه‌ترین و در عین حال منطقی‌ترین رویکرد، آلمان نگرشی معتدل توأم با انعطاف و کرواسی موسع‌ترین اما غیرقابل‌توجیه‌ترین دیدگاه پیروی می‌کنند. چنان‌که قبلاً نیز اشاره شد، به نظر می‌رسد صلاحیت دادگاه‌های کشورهای غیر محل ثبت حقوق در مورد مسئله اعتبار به طور کلی غیرقابل‌پذیرش است، خواه اعتبار در قالب دعاوی اصلی یا تقابل یا دفاع موضوع رسیدگی باشد و خواه اثر رأی صادره محدود به طرفین دعوا گردد یا خیر.

1. Subafilms Ltd v MGM- Pathe Communication Co

در ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ایران آمده است: «رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای این قانون و آیین نامه اجرایی آن در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران می‌باشد که حداکثر تا شش ماه بعد از تاریخ تصویب قانون توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد. تصمیمات اداره مالکیت صنعتی توسط اشخاص ذی نفع قابل اعتراض است و دادخواست مربوط باید ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ تصمیم به ذی نفع و یا اطلاع او از آن، به دادگاه صالح تقدیم گردد. تجدیدنظرخواهی از آراء و نحوه رسیدگی، تابع مقررات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است.» بر اساس ماده ۱۷۹ آیین‌نامه قانون ثبت اختراعات: «با توجه به ماده ۵۹ قانون، رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری مرتبط با قانون و این آیین‌نامه در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران است که توسط رئیس قوه قضائیه تعیین و در صورت امکان در اداره کل مالکیت صنعتی مستقر می‌شوند. در مورد دعاوی کیفری، چنانچه جرم در خارج از تهران واقع یا کشف و یا متهم در خارج از تهران دستگیر شده باشد، در این صورت تحقیقات مقدماتی در محل وقوع یا کشف جرم یا دستگیری متهم به عمل آمده و پرونده برای رسیدگی به دادگاه‌های مذکور در فوق ارجاع می‌شود.»

و طبق ماده ۱۸۰ آیین‌نامه قانون ثبت اختراعات: «چنانچه در ضمن رسیدگی کیفری، متهم برای دفاع از خود موضوع مالکیت اختراع، طرح صنعتی، علامت و نام تجاری را مطرح کند، دادگاه صالح مقرر در ماده ۵۹ قانون، خود باید به این موضوع رسیدگی نماید.» ماده ۱۸۹ آیین‌نامه قانون ثبت اختراعات نیز تصریح می‌کند: «تجدیدنظر از آراء محاکم و نحوه رسیدگی، تابع مقررات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی یا کیفری است.» بر اساس مواد یاد شده موضوعات زیر در صلاحیت انحصاری شعب اختصاص یافته از دادگاه عمومی تهران است:

۲-۲-۱. اختلافات ناشی از اجرای قانون و آیین‌نامه آن

مفهوم و گستره «اختلافات ناشی از اجرای قانون و آیین‌نامه» روشن نیست. به نظر می‌رسد «اختلافات ناشی از اجرای قانون و آیین‌نامه اجرایی آن» که در ماده ۵۹ قانون مورد اشاره قرار گرفته تعبیری جامع و شامل دعاوی حقوقی و کیفری مرتبط با قانون و آیین‌نامه در ماده ۱۷۹ آیین‌نامه، تصمیمات اداره مالکیت صنعتی در ماده ۵۹ قانون و نیز دفاع متهم در خصوص مالکیت حق در ضمن رسیدگی کیفری مذکور در ماده ۱۸۰ آیین‌نامه است.

۲-۲-۲. دعاوی حقوقی و کیفری مرتبط با اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم و نام‌های تجاری

رسیدگی به کلیه دعاوی اعم از حقوقی و کیفری با موضوع اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم و نام‌های تجاری در صلاحیت انحصاری دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعاوی ناظر بر

سایر مصادیق حقوق مالکیت صنعتی مثل نشانه‌های جغرافیایی، اسرار تجاری و... و کلیه مصادیق حقوق مالکیت ادبی هنری تابع قواعد عام صلاحیت خواهند بود. سؤال مهم این است که آیا تمام ابعاد حقوقی اختراعات، طرح‌ها، علائم و نام‌ها خواه به عنوان موضوع اصلی دعوا مطرح شده باشند و خواه غیر از آن در صلاحیت انحصاری دادگاه تهران است؟ فروض زیر بدون شک مشمول صلاحیت انحصاری خواهند بود:

- موضوع اصلی دعوا مثل دعوی ابطال یا نقض حق اختراع یا دعوی مرتبط به قراردادهای انتقال یا لیسانس حقوق مالکیت صنعتی مثل دعوی الزام به ایفای تعهد
 - موضوع دعوی تقابل مثل دعوی تقابل اثبات مالکیت حق علامت تجاری در برابر دعوی نقض علامت ثبت نشده یا اعلام فسخ قرارداد لیسانس در برابر دعوی الزام به پرداخت حق امتیاز
 - موضوع دفاع مثل دفاع عدم اعتبار حق طرح صنعتی در دعوی نقض حق مذکور
- سایر دعاوی که به نحوی با حقوق مالکیت صنعتی مرتبط هستند از شمول صلاحیت انحصاری خارجند. برای مثال فرض کنیم مخترعی حق ساخت و فروش اختراع خود را برای مدت دو سال به شخصی منتقل و انتقال گیرنده در ازای آن مالکیت ملکی واقع در اصفهان را به موجب قرارداد عادی تنظیمی در همان شهر به مخترع منتقل نموده است. متعاقباً و پس از ساخت و فروش اختراع مشخص می‌شود ملک متعلق به غیر بوده است. بدیهی است در این فرض شکایت کیفری انتقال مال غیر باید در اصفهان طرح شود.

بر اساس دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۷۰۱۰۱۱۳۳ صادره از شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر استان تهران دعوی الزام به انتقال رسمی بخشی از امتیاز نام تجاری، ارتباطی با اختلاف درمورد اجرای قانون ثبت اختراعات، علائم تجاری و طرح‌های صنعتی ندارد و لذا رسیدگی به آن تابع قواعد عمومی صلاحیت محلی دادگاه‌هاست و در صلاحیت شعبه خاصی از دادگاه عمومی تهران نیست.

طبق رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۱۰۲۰۱۵ صادره از شعبه ۱ بدوی دیوان عدالت اداری، انتشار کتاب دیگری بدون اجازه صاحب اثر از مصادیق امور ترافعی و رسیدگی به آن، خارج از صلاحیت دیوان است.

۳-۲-۲. موضوع مالکیت اختراع، طرح صنعتی، علامت و نام تجاری که در ضمن رسیدگی کیفری، متهم به عنوان دفاع مطرح می‌نماید.

قانون ایران با پیروی از صحیح‌ترین رویکرد در خصوص حقوقی که حمایت از آن‌ها منوط به ثبت است، دعوی اصلی، تقابل و دفاع را مشمول صلاحیت انحصاری دانسته است.

به عنوان مثال می‌توان حالتی را تصور کرد که علامت تجاری معین در ایران به ثبت رسیده است. یک شرکت ایتالیایی علامت مذکور را بدون اجازه ثبت‌کننده بر روی همان محصول درج و در بازار ایتالیا عرضه می‌کند. مالک ایرانی علامت در دادگاه ایتالیا علیه ناقض حق طرح دعوا می‌کند. خوانده در دفاع اظهار می‌کند که تقاضانامه ثبت علامت را برای همان طبقه کالا بر اساس موافقت‌نامه مادرید در تاریخ مقدم بر ثبت علامت در ایران، در کشور دیگر عضو تقدیم نموده و با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون پاریس، به لحاظ تعلق حق تقدم ثبت علامت به شرکت خوانده، علامت در ایران غیرقابل ثبت بوده و باید ابطال شود. در این مثال دعوی ابطال ثبت علامت باید در دادگاه‌های ایران به عنوان محل ثبت مطرح شود و دادگاه ایتالیا برای رسیدگی فاقد صلاحیت خواهد بود. در عین حال دعوی نقض بر اساس اصل صلاحیت محل سکونت/ اقامت خوانده و محل وقوع نقض باید در دادگاه‌های ایتالیا مطرح شود نه ایران.

۲-۲-۴. اعتراض به تصمیمات اداره مالکیت صنعتی

کلیه تصمیمات اداره مالکیت صنعتی که در فرآیند ثبت حقوق اتخاذ گردیده، قابل اعتراض و رسیدگی به آن در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های عمومی تهران خواهد بود.

به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۳۰۲۲۸۵ صادره از شعبه ۱۳ بدوی دیوان عدالت اداری، رسیدگی به شکایت از تصمیمات کمیسیون ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات، خارج از صلاحیت دیوان و در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است.^۱

۳. صلاحیت در دعاوی نقض حقوق مالکیت فکری

گرچه اقامتگاه یا محل سکونت خوانده به عنوان اصل صلاحیت بین‌المللی به طور گسترده پذیرفته شده، این تنها دلیلی نیست که صلاحیت استماع دعاوی بر مبنای آن می‌تواند مطرح شود. صلاحیت در دعاوی نقض مالکیت فکری بدون تردید یکی از شالوده‌ها در سیستم قضاوت بین‌المللی دعاوی مالکیت فکری است.

۳-۱. اسناد بین‌المللی

بر اساس اصول حاکم بر صلاحیت، قانون حاکم و آراء در دعاوی فراملی مالکیت فکری (ALI) در دعاوی نقض، شخص می‌تواند در هر کشوری که در آن به طور اساسی اقدام کرده یا اعمال مقدماتی

۱. گرچه مدت نسبتاً طولانی از تصویب قانون ثبت اختراعات، ... و سایر قوانین مالکیت فکری می‌گذرد و دادنامه‌های متعددی در خصوص ابعاد کیفی و حقوقی موضوعات مشمول صادر شده، اما متأسفانه آراء دادگاه تجدیدنظر در خصوص موضوع صلاحیت در دعاوی مالکیت فکری انگشت شمار بوده و رأی وحدت رویه‌ای نیز در این باره صادر نشده است.

اساسی را برای آغاز یا ادامه نقض ادعایی در آنجا انجام داده تعقیب شود. دادگاه‌های کشوری که چنین فعالیت‌های اساسی در آنجا رخ داده در خصوص تمام خسارات ناشی از رفتار مجرمانه صلاحیت خواهند داشت، صرف‌نظر از مکانی که ضرر در آنجا رخ داده است. همچنین دادگاه کشوری که شخص فعالیت‌های نقض‌کننده را به آنجا هدایت کرده نیز فقط در خصوص زیان‌های وارده در مقر همان دادگاه صلاحیت خواهد داشت (Fukumoto, 2005: 165). مفهوم قید «اساسی» در عبارت «به طور اساسی اقدام کرده یا اعمال مقدماتی اساسی را برای آغاز یا ادامه نقض ادعایی در آنجا انجام داده» مشخص نیست. به نظر می‌رسد این قید به معنای اعمالی است که انجام آن‌ها سبب وقوع نقض است نه شرط آن. برای مثال در نقض علامت تجاری، تولید محصول شرط و استفاده از علامت مشابه روی آن محصول سبب تحقق نقض خواهد بود. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، گستره صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به خسارات ناشی از نقض است. بر اساس رویه غالب دادگاه محل وقوع عمل زیان‌بار یا محل اقامت خوانده برای رسیدگی به کل خسارات ناشی از فعل خوانده اعم از ضررهای وارده در قلمرو مقر یا سایر کشورها دارای صلاحیت است، اما سایر دادگاه‌ها مثل دادگاهی که فعالیت‌های متخلفانه به آنجا هدایت شده (مثل کشور هدف صادرات محصول دارای علامت تجاری متقلبانه) یا دادگاه محل وقوع ضرر در فرض وجود دیگر مبانی صلاحیت تنها برای صدور حکم به جبران خسارات وارده در قلمرو کشور خود صالح هستند.

طبق آیین‌نامه شماره ۱۲۱۵/۲۰۱۲ پیرامون صلاحیت و شناسایی و اجرای آراء در موضوعات مدنی و تجاری در موضوعات مربوط به مسئولیت مدنی، جرم یا شبه جرم دادگاه محلی که رویداد زیان‌بار در آنجا رخ داده یا ممکن است رخ دهد، صالح خواهد بود. دیوان عدالت اروپایی در رأی صادره در پرونده بیر علیه ماینز^۱ عبارت «رویداد زیان‌بار» را شامل مکان وقوع عمل منجر به خسارت و مکان وقوع خسارت تفسیر کرده است (Hartley, 2018: 1). در دعاوی نقض، علاوه بر دادگاه محل وقوع فعل زیان‌بار دادگاه محل اقامت خوانده نیز برای رسیدگی صالح خواهد بود (Cross- Border..., 2006: 6). دیوان عدالت اروپایی در رأی شویل^۲ دادگاه محل اقامت خوانده را برای تصمیم‌گیری در خصوص کل خساراتی که ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری موازی در کشور مقر و سایر کشورهاست، صالح شناخت، مشروط به اینکه رویداد زیان‌بار که موجب خسارت شده نیز در کشور مقر رخ داده باشد (Engelen, 2010: 5). کنوانسیون بروکسل نیز در موضوعات مسئولیت مدنی و جرم و شبه جرم، دادگاه محل وقوع حادثه زیان‌بار را واجد صلاحیت می‌داند. در خصوص

1. Handelskwekerij Bier Bv v Mines de Potasse d'Alsace Sa

2. Shevill

دعای مدنی برای جبران خسارت ناشی از دعاوی کیفری، دادگاه رسیدگی کننده به دعاوی کیفری تا حدی که بر اساس قانون خود صلاحیت ورود به دعاوی مدنی را دارد، صالح خواهد بود (Fawcett & Torremans, 1998: 174). اگر بخشی از رویداد زیان بار در یک کشور و بخشی در کشور دیگر رخ دهد، دادگاه های هر دو صالح خواهند بود. مثل حالتی که محصول مبتنی بر اختراع در کشور الف ساخته و در کشور ب فروخته می شود. ممکن است ضرر مالی در بیش از یک کشور رخ دهد. دیوان در پرونده دومز علیه لندزبنک^۱ رأی داد که مکان وقوع ضرر فقط مکانی است که اثرات زیان بار رویداد منجر به ضرر مستقیماً بر شخصی که قربانی بی واسطه آن رویداد است بار می شود (Fawcett & Torremans, 1998: 163).

قوانین و رویه قضایی کشورهای مختلف در خصوص صلاحیت در دعاوی نقض حقوق مالکیت فکری^۳ رویکرد را اتخاذ نموده اند: صلاحیت دادگاه محل وقوع عمل زیان بار یا ضرر یا هر دو. گرچه آیین نامه ۱۲۱۵/۲۰۱۲ ظاهراً از رویکرد اول پیروی کرده، اما دیوان عدالت اروپایی با تفسیری موسع رویکرد سوم را به آیین نامه منتسب کرده است. بدیهی است پذیرش صلاحیت دادگاه محل وقوع نقض یا خسارت خواهان را در تسهیل اقامه دعوی یاری خواهد کرد، از این حیث که وی می تواند در هر یک از آن دو مرجع یا دادگاه محل اقامت خوانده که برای او مناسب تر است، طرح دعوا کند. همچنین لازم به ذکر است که دیوان در تفسیری مضیق صرفاً در فرض انطباق محل اقامت خوانده با محل وقوع رویداد زیان بار، دادگاه را برای رسیدگی به کل خسارات ناشی از نقض در هر کشوری صالح شناخته است. این بدان معناست که اگر اقامتگاه خوانده در کشور الف و وقوع نقض در کشور ب باشد، دادگاه های هر یک از آن دو کشور فقط برای صدور حکم نسبت به خسارات وارده در قلمرو مقر خود صالح اند.

بر اساس اصول تعارض قوانین در مالکیت فکری (CLIP) در دعاوی مربوط به نقض حقوق مالکیت فکری، دادگاه محلی که نقض ادعایی در آنجا رخ داده یا ممکن است رخ دهد، صالح خواهد بود. در خصوص ادعاهای مدنی برای جبران خسارات ناشی از نقض که در ضمن رسیدگی های کیفری مطرح می شوند، دادگاه رسیدگی کننده به نقض صالح خواهد بود، مشروط به اینکه دادگاه طبق قانون خود برای رسیدگی مدنی صلاحیت داشته باشد. عبارت «دادگاه محلی که نقض ادعایی ممکن است در آنجا رخ دهد» ناظر بر قصد نقض یا حتی تهیه مقدمات آن نیست، بلکه مقصود ورود ناقض به عملیات اجرایی بدون اتمام آن است، مثل حالتی که نسخ تحریف شده یک کتاب چاپ اما توزیع نشده اند.

1. Dumez France and Tracoba v Hessische Landesbank and Others

۳-۲. قوانین ملی

صلاحیت دادگاه‌های کانادا در خصوص دعاوی نقض مالکیت فکری در صورتی می‌تواند وجود داشته باشد که دو شرط محقق شود: وجود صلاحیت ساده و صلاحیت موضوعی. صلاحیت ساده در صورتی وجود خواهد داشت که خواننده ساکن استان‌های کانادا باشد یا صلاحیت دادگاه کانادا را بپذیرد. صلاحیت ساده در صورتی که ادعا مبتنی بر شبه جرم ارتکاب یافته در استان باشد نیز وجود دارد. دادگاه‌های کانادا فقط در مورد ادعاهای مربوط به نقض حقوق مالکیت فکری کانادایی صلاحیت دارند. الزامات صلاحیت موضوعی مانع دادگاه‌های کانادا از استماع دعاوی مربوط به ادعاهای اعتبار و نقض حقوق مالکیت فکری خارجی خواهد شد. بنابراین وقوع نقض حقوق مالکیت فکری در کانادا معیار ایجاد صلاحیت بین‌المللی برای دادگاه‌های این کشور است. اگر محل سکونت خواننده در کانادا باشد، دادگاه کانادا می‌تواند در مورد خسارات جهانی تصمیم‌گیری نماید. در عین حال اگر صلاحیت دادگاه مبتنی بر وقوع شبه جرم در کانادا باشد، دادگاه فقط می‌تواند در مورد خسارات ناشی از شبه جرم در آن حوزه قضایی خاص تصمیم‌گیری نماید. البته خواهان می‌تواند استدلال کند که دادگاه باید در مورد خسارت وارده در حوزه قضایی خارجی نیز تصمیم‌گیری نماید، اما خواهان برای موفقیت در اثبات این ادعا ملزم خواهد بود دادگاه را متقاعد کند که ارتباطی واقعی و ماهوی بین کانادا و آن ادعا وجود دارد.

ادعاهای مربوط به نقض حقوق مالکیت فکری خارجی معمولاً توسط دادگاه‌های آمریکا رد می‌شوند. بر اساس دکترین اقدام دولت^۱ که در آمریکا پذیرفته شده است، دادگاه‌ها از بررسی اعتبار یا صدور رأی در خصوص اقدامات دارای ویژگی حکومتی که توسط دولت خارجی در قلمرو آن دولت انجام شده خودداری خواهند کرد (Dogauchi, 2001: 14). در مورد کپی‌رایت با توجه به عدم ثبت آثار، تمایل فزاینده دادگاه‌ها به استماع دعاوی پیرامون نقض کپی‌رایت خارجی به چشم می‌خورد (Austin, 2001: 8). دادگاه‌های آمریکا صلاحیت را در خصوص دعاوی بین‌المللی فقط در صورتی اعمال می‌کنند که عمل نقض در آمریکا رخ داده باشد. در پرونده شرکت ابزار پاکارد علیه شرکت ابزار بکمن^۲ خواهان نقض حق اختراع را در آمریکا و ۹ کشور دیگر ادعا کرد. خواننده دعوای تقابل طرح و اعلام اینکه حق اختراع در تمام کشورها نامعتبر بوده را تقاضا و استدلال کرد که دادگاه باید صلاحیت را در خصوص ادعاهای حق اختراع خارجی رد کند. مسئله این بود که آیا دادگاه بخش آمریکا در مورد ادعاهای نقض حق اختراع خارجی زمانی که موضوع اعتبار این حق اختراع مطرح است، صلاحیت

1. act of state doctrine

2. Packard Instrument Company Inc v Beckman Instrument Inc

دارد یا نه. خواننده استدلال کرد که دادگاه‌های آمریکا نباید اعمال صلاحیت کنند، چون اولاً تعیین اعتبار حق اختراع خارجی متضمن شکلی از نفع حاکمیتی خارجی است و ثانیاً مقر آمریکا برای اجرای یک ادعای خارجی مناسب نخواهد بود. دادگاه رأی داد که تصمیم‌گیری پیرامون اعتبار حق اختراع خارجی نگرانی‌های جدی را مطرح خواهد کرد چون قوانین ملی اختراع ارتباط نزدیکی با منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشور دارند (Kono, 2012: 51) به نظر می‌رسد رویکرد رویه قضایی نوین کشورهایی مثل کانادا و آمریکا در موضوع رسیدگی به دعاوی ناظر بر حقوق مالکیت فکری خارجی، به سمت تعادل پیش می‌رود، بدین معنا که صلاحیت به طور مطلق نه پذیرفته و نه رد می‌شود، بلکه در فرض وجود ارتباط کافی بین مقر و حق مثل وقوع عمل زیان‌بار یا ضرر، صلاحیت اعمال خواهد شد و این رویکردی قابل‌تحسین است.

در فرانسه طبق ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی مدنی^۱ خواهان می‌تواند دعوا را در دادگاه‌های مکانی که رویداد سبب ضرر رخ داده یا در دادگاه‌های مکانی که خسارت وارد شده، اقامه کند. در خصوص صلاحیت برای صدور حکم خسارت در پرونده‌های نقض فراملی مالکیت فکری، صلاحیت دادگاه فرانسه در پرونده‌هایی که رویداد سبب ضرر در خارج اتفاق افتاده، به خسارات وارده در فرانسه محدود خواهد بود. در اتریش طبق ماده ۸۳ قانون صلاحیت مدنی^۲ صلاحیت بین‌المللی در خصوص ادعاهای نقض در صورتی می‌تواند اعمال شود که دادگاه صلاحیت شخصی داشته باشد یا رویداد زیان‌بار در اتریش اتفاق افتاده باشد. دادگاه‌های اتریش در خصوص خسارت کلی ناشی از نقض انجام شده در اتریش تصمیم‌گیری می‌کنند، حتی اگر خواننده ساکن اتریش نباشد.

در ایران اگر موضوع دعاوی مالکیت فکری نقض حق بوده و این نقض در قانون جرم شناخته شده باشد، رسیدگی به آن در صلاحیت مراجع قضایی کیفری خواهد بود. طبق ماده ۶۱ قانون ثبت اختراعات: «هر شخصی که با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد ۱۵، ۲۸ و ۴۰ نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده ۴۷ عمل غیرقانونی تلقی شود، مجرم شناخته شده و علاوه بر جبران خسارت به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آن‌ها محکوم می‌شود.» در سایر قوانین مانند قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز ارتکاب برخی اعمال در ارتباط با حقوق مالکیت فکری جرم‌انگاری شده است. با توجه به ماده ۳۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری که دادگاه کیفری دو را دارای

1. Code of Civil Procedure

2. Civil Jurisdiction Act

صلاحیت عام برای رسیدگی به تمام جرایم می‌داند، دادگاه یادشده صلاحیت ذاتی رسیدگی به جرایم مذکور را خواهد داشت و طبق ماده ۳۱۰ همان قانون دادگاه کیفری دو محل وقوع جرم از صلاحیت نسبی برای رسیدگی برخوردار است.

تحقیقات مقدماتی جرایم مربوط به نقض حقوق مالکیت صنعتی در تهران در دادسرای ویژه جرایم پزشکی و دارویی انجام می‌شود. دعاوی کیفری با موضوع نقض اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم و نام‌های تجاری در شعب ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴ مجتمع قضایی شهید قدوسی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. این مرجع دارای صلاحیت کشوری است و جرایم موضوع ماده ۶۱ قانون ثبت اختراعات در هر حوزه قضایی در کل کشور ارتکاب یافته باشند، در این شعبه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. چنانچه جرایم موضوع ماده ۶۱ در سایر شهرهای کشور غیر از تهران واقع شده باشد، تحقیقات مقدماتی با اعطای نیابت، توسط دادسرای محل وقوع جرم انجام شده و سپس نتیجه برای مرجع صالح در تهران ارسال خواهد شد. همچنین دعاوی‌ای که اتباع سایر کشورها در خصوص حقوق مالکیت صنعتی خود علیه اتباع ایرانی اقامه می‌کنند، در این مجتمع رسیدگی می‌شود. دادگاه صالح برای رسیدگی به نقض سایر مصادیق حقوق مالکیت صنعتی، دادگاه کیفری دو محل وقوع جرم است. تحقیقات مقدماتی جرایم مربوط به نقض حقوق مالکیت ادبی هنری در تهران در دادسرای فرهنگ و رسانه انجام می‌گیرد. نقض حقوق مالکیت ادبی هنری در شعبه ۱۰۴۳ رسیدگی می‌شود و نقض این حقوق در سایر مناطق کشور تابع قواعد عام صلاحیت نسبی است و توسط دادگاه‌های کیفری دو محل وقوع جرم مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

در نمونه رأی صادره از شعبه ۱۰۴۳ آقای م پ به اتهام نقض حقوق علامت تجاری مستنداً به گواهی ثبت علامت و نظریه کارشناس رسمی و احتمال به اشتباه افتادن مصرف‌کننده عادی، به جزای نقدی محکوم شده است. شعبه ۳۸ دادگاه تجدیدنظر به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۸۰۰۴۵۲، رأی بدوی را به استناد نظریه هیئت ۵ نفره کارشناسی دال بر تفاوت علامت شاکی و متهم و عدم احتمال گمراهی مصرف‌کنندگان نقض و متهم را تبرئه نموده است.

شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی نیز در رأیی درخواست خواهان مبنی بر ابطال ثبت علامت تجاری خوانده را مستنداً به تفاوت طبقات محصول و غیرقابل تصور بودن اشتباه مصرف‌کننده و مشهور نبودن علامت خواهان رد و شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۵۶۰ رأی فوق را ابرام نموده است.

نتیجه

در صلاحیت شخصی، اصل صلاحیت دادگاه محل سکونت خوانده در بسیاری از اسناد فراملی و قوانین آمریکایی و محل اقامت در اکثر اسناد فراملی و قوانین اروپایی و نیز حقوق ایران پذیرفته شده است. در ایران در خصوص دعاوی حقوقی مربوط به حقوق مالکیت ادبی هنری قواعد صلاحیت شخصی حاکم است.

اصل صلاحیت دادگاه محل سکونت/ اقامت خوانده، مورد اجماع بین المللی و مبتنی بر اصل برائت در امور کیفری و قاعده البینه علی المدعی در امور حقوقی است. دعاوی مربوط به حقوق مالکیت فکری نیز از اعمال این اصل مستثنا نیستند. اصل فوق در تمام دعاوی مالکیت فکری اعمال می‌گردد، جز در دو مورد: صلاحیت موضوعی (انحصاری) و صلاحیت مبتنی بر توافق. به بیان دیگر در تمام دعاوی از جمله دعاوی نقض، اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده به موازات اصول دیگر مثل صلاحیت دادگاه محل وقوع نقض، قابل اعمال است و این امکان انتخاب برای خواهان مزیتی غیرقابل انکار به شمار می‌رود. تنها قواعد صلاحیت موضوعی و صلاحیت مبتنی بر توافق هستند که بر اصل صلاحیت دادگاه محل سکونت/ اقامت خوانده تفوق دارند. بنابراین چنانچه موضوع دعوا مربوط به ثبت یا اعتبار مصادیقی از حقوق مالکیت فکری باشد که حمایت از آن‌ها منوط به ثبت است، دعوا فقط در دادگاه کشور محل ثبت قابل طرح خواهد بود. همچنین اگر طرفین در خصوص دادگاه صالح توافق کرده باشند، صلاحیت دادگاه منتخب انحصاری خواهد بود.

در اغلب اسناد بین المللی و قوانین ملی صلاحیت موضوعی مبتنی بر معیار محل ثبت است. دادگاه‌های کانادا، آمریکا، انگلستان و سوئیس از رسیدگی به دعاوی اعتبار یا ثبت حقوق مالکیت فکری خارجی خودداری و دادگاه‌های آلمان فقط به دفاع عدم اعتبار در دعاوی نقض با اثر منحصر به طرفین دعوا رسیدگی می‌کنند. در ایران گرچه منع قانونی برای رسیدگی به دعاوی مربوط به حقوق مالکیت فکری خارجی در قوانین پیش‌بینی نشده، اما دادگاه‌ها باید از اعمال صلاحیت در موضوع اعتبار و ثبت حقوق ثبت شده در خارج با توجه به قاعده پذیرفته‌شده صلاحیت دادگاه محل ثبت، خودداری نمایند. در خصوص دعاوی حقوقی و کیفری ناظر بر اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم و نام‌های تجاری دادگاه‌های تهران از صلاحیت انحصاری برخوردار هستند.

به نظر می‌رسد رسیدگی دادگاهی غیر از دادگاه محل ثبت به موضوع اعتبار و ثبت حقوق فاقد هر گونه توجیه و منطق حقوقی است، چون اولاً مشروط بودن حمایت به ثبت به معنای ارتباط موضوع با حاکمیت کشور محل ثبت خواهد بود و ثانیاً دادگاه‌های کشور ثبت‌کننده مناسب‌ترین مرجع برای تشخیص انطباق فرآیند ثبت با قانون مقرر هستند. صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشور محل ثبت فقط

در دعاوی مربوط به اعتبار یا ثبت حقوق مالکیت فکری قابل پذیرش است و در دعاوی نقض به دلیل استقرار خواننده، واقعه زیان بار و ادله در محل وقوع نقض، آن مکان مناسب ترین مقرر برای رسیدگی می باشد. در دعاوی نقض در فرض خدشه به اعتبار حقوق در قالب دفاع یا دعوای تقابل، بهترین تصمیم توقف رسیدگی تا اتخاذ تصمیم قطعی در خصوص اعتبار توسط دادگاه محل ثبت خواهد بود.

بر اساس اصول حاکم بر صلاحیت، قانون حاکم و آراء در دعاوی فراملی مالکیت فکری، آیین نامه شماره ۱۲۱۵/۲۰۱۲ و اصول تعارض قوانین در مالکیت فکری دادگاه محل وقوع عمل زیان بار برای رسیدگی به دعاوی نقض واجد صلاحیت است. صلاحیت دادگاه های کانادا، آمریکا و اتریش در مورد نقض حقوق مالکیت فکری مبتنی بر محل وقوع نقض است. در فرانسه دادگاه در صورتی صلاحیت خواهد داشت که رویداد سبب ضرر در آنجا واقع یا خسارت در مقر دادگاه وارد شده باشد. در ایران دعاوی کیفری نقض اختراعات، طرح های صنعتی و علائم و نام های تجاری بین اتباع ایران و نیز دعاوی اتباع خارج علیه ایرانیان در این باره در شعب اختصاصی مجتمع قضایی شهید قدوسی مورد رسیدگی قرار می گیرند و این مرجع دارای صلاحیت کشوری است. دعاوی کیفری نقض حقوق مالکیت ادبی هنری و سایر حقوق مالکیت صنعتی در صلاحیت دادگاه کیفری دو محل وقوع جرم است.

در خصوص دعاوی نقض، نظریه صلاحیت دادگاه محل وقوع عمل زیان بار منطقی ترین رویکرد است. معمولاً محل اقامت/ سکونت خواننده بر محل وقوع نقض منطبق و ادله نیز در همان مکان برای دادگاه قابل دسترسی است. همچنین غالباً خسارت هم در مکان وقوع نقض به خواهان وارد می شود. علت ترجیح محل وقوع نقض بر محل وقوع ضرر این است که اولاً در اغلب موارد نقض در یک مکان اما خسارت در مکان های متعدد رخ می دهد. ثانیاً خسارت گاه صرفاً در قالب عدم النفع محقق می شود و اثبات این نوع از خسارت به عنوان مبنای تعیین مقر دادگاه صالح دشوار است. ثالثاً اثبات نقض آسان تر و بر ادله عینی تر مبتنی است. چنانچه بخشی از عمل زیان بار در یک کشور و بخش دیگر در کشور دوم انجام گرفته باشد، صلاحیت دادگاه محل انجام اعمال اساسی (اعمالی که سبب وقوع نقض هستند نه شرط آن) برای نقض مناسب ترین دیدگاه است. اگر هر دو بخش از حیث اهمیت مساوی باشند مثل ساخت و فروش اختراع، به نظر می رسد مکانی که فعل زیان بار با ضرر تلاقی پیدا می کند برای رسیدگی ارجح خواهد بود؛ یعنی محل فروش اختراع.

منابع

فارسی

- ارفع نیا، بهشید (۱۳۹۱)، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۳، چاپ اول، تهران: انتشارات بهتاب.
- اسکینی، ربیعا. (۱۳۹۳)، حقوق تجارت شرکت های تجاری، ج ۱، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- الماسی، نجاد علی (۱۳۹۰)، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات میزان.
- بهمنی، محمدعلی (۱۳۸۴)، تقریرات درس تعارض قوانین، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سلجوقی، محمود (۱۳۹۳)، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۲، چاپ هفتم، تهران: انتشارات میزان.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۷)، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات دراک.

انگلیسی

- Bennett, Annabellr & Granata, Sam. (2019). **When Private International Law Meets Intellectual Property Law**. WIPO and the HCCH.
- Chang, Duck-Soon & Si Yul Lee & John J. Kim. (2015). "Jurisdiction over Intellectual Property Infringement Cases to be Consolidated". Kim & Chang Intellectual Property
- Cook, Trevnor. (2014). "Territoriality and Jurisdiction in EU IP Law". **Journal of Intellectual Property Rights**. Vol 19
- "Cross-Border Litigation in Intellectual Property Matters in Europe". (2006). Background Paper for the Heidelberg Workshop
- Dreyfuss, Rochelle C & Ginsburg, Jane C. (2002). "Draft Convention on Jurisdiction and Recognition of Judgments in Intellectual Property Matters". **Chicago-Kent Law Review**. Vol 77
- Engelen, C.L.A. Van. (2010). "Jurisdiction and Applicable Law in Matters of Intellectual Property". **Electronic Journal of Comparative Law**. Vol 14.3
- Fawcett, James J & Paul, Torremans. (1998). **Intellectual Property and Private International Law**. First Publication. Oxford University Press.
- Fukumoto, Wataru. (2005). "International Jurisdiction about Intellectual Property Right with Special Reference to Intellectual Property: Principles Governing Jurisdiction, Choice of Law, and Judgments in Transnational Disputes". **IIP Bulletin**. The American Law Institute.
- "Handy Client Guide to Jurisdiction under Recast Brussels Regulation". (2014) Herbert Smith Freehills
- Jurcys, Paulius. (2012). "International Jurisdiction in Intellectual Property Disputes". JIPITEC
- Kur, Annette. "The CLIP Principles- Summary of the Project".
- Kono, Toshiyuki. (2012). **Intellectual Property and Private International Law**. Hart Publishing
- Kunda, Ivana & Manuel Goncalves, Carlos. (2010). **Practical Handbook on European Private International Law**. European Union
- Lipstein, K. (2002). "Intellectual Property: Jurisdiction or Choice of Law". **Cambridge Law Journal**. Vol 61
- Lyon, Christopher. (1995). "The Ninth Circuit's Approach to Personal Jurisdiction in Intellectual Property Cases: How Long Is the Arm of California

- Courts in Reaching Foreign Defendants”. **Loyola of Los Angeles Entertainment Law Review**. Vol 15
- Shiu, Ivan & Hutt, Giles. (2015). “Jurisdiction and Governing Law Rules in the European Union”. Hogan Lovells
 - Hartley, Trevor C. (2018). “Jurisdiction in tort claims for non-physical harm under Brussels 2012, Article 7 (2)”. **International and Comparative Law Quarterly**.
 - “The Brussels Regulation at a Glance”. (2013). Bird & Bird
 - Treppoz, Edouard. (2014). “International Choice of Law in Trademark Disputes from a Territorial Approach to a Global Approach”. **Columbia Journal of Law and the Arts**. Vol 37
 - Ubertazzi, Benedetta. (2011). “Intellectual Property Rights and Exclusive (Subject Matter) Jurisdiction: Between Private and Public International Law”. **Marquette Intellectual Property Law Review**. Vol 15
 - Ubertazzi, Benedetta. (2012). “Infringement and Exclusive Jurisdiction in Intellectual Property: A Comparison for the International Law Association”. JIPITEC
 - Wautelet, Patrick. (2010). “Cross-Border Jurisdiction Over Intellectual Property Rights Disputes – an Overview”. Universite de Liege.